

ترس از شیطان

آقای حاج محمود اخوان می‌گوید:

جوان بودم که یک شب با آقا شیخ مرتضی زاهد، از جلسه‌ای بر می‌گشتیم. ایشان پیرمرد و ضعیف شده بودند و من دست‌هایشان را گرفته بودم و در راه رفتن کمکشان می‌کردم. آهسته آهسته ایشان را تا جلوی خانه‌ی شان رساندم و آماده‌ی خداحافظی شدم.

وقتی می‌خواستند به داخل خانه بروند، رو به من کردند و فرمودند:

«آقا محمود! مرا دعا کن! مرا دعا کن، آقا محمود! دعا کن»

من تبسمی کردم و عرض کردم: آقا جان! شما که احتیاج به دعا ندارید!

هنگامی که این جمله از دهان من خارج شد چشم‌هایشان پر از اشک شد و بسیار منقلب شدند و

فرمودند:

«آقا محمود! مرا دعا کن! همه‌ی ما به دعا احتیاج داریم»

و بعد با گریه و صدایی لرزان فرمودند: «شیطان قسم خورده است تا همه‌ی ما را اغوا کند. همه‌ی ما به

دعا احتیاج داریم. محمود! مرا دعا کن...»^۱

۱. زندگینامه مرحوم شیخ مرتضی زاهد، سیف‌اللهی. محمد حسن. انتشارات مسجد جمکران. چاپ اول ۱۳۸۳